فهرست

[موضوع: فقه/نکاح/مبحث نگاه/حکم خنثی 2](#_Toc154321220)

[پیشگفتار 2](#_Toc154321221)

[ادامه بررسی صحیحه ابوحمزه ثمالی 2](#_Toc154321222)

[مبحث شانزدهم 2](#_Toc154321223)

[یک سؤال مهم 3](#_Toc154321224)

[نکته اول 3](#_Toc154321225)

[نکته دوم 5](#_Toc154321226)

[نکته سوم 5](#_Toc154321227)

[یک فرع دیگر 5](#_Toc154321228)

# موضوع: مبحث نگاه/ استثنائات از عدم جواز نظر به اجنبی

# پیشگفتار

 پانزدهمین مبحث در ذیل روایت شریفه ابوحمزه ثمالی این بود که اضطرار آیا اینجا به یکی از سه نوع ضرر، حرج یا اکراه دارد یا اینکه شامل همه این اقسام و موارد می‌شود

گفتیم احتمالات متعددی وجود دارد و احیاناً قول هم وجود دارد، از قبیل قول مرحوم حائری مؤسس رضوان‌الله تعالی علیه. اما به دو دلیل گفته شد که شمول دارد؛ اولاً بعید نیست که خود ظاهر لفظ دارای معنای وسیعی باشد که همه اقسام اضطرار ناشی از اکراه یا ضرر یا حرج را در بربگیرد و شاید شاهد بر این مسئله هم بشود آورد که در بعضی از کتاب‌های لغت «اضطر الیه» را به معنای الجاء هم آورده است الجاء در اکراه به خوبی به کار می‌رود، اکراه همان الجاء است،

دلیل دوم این بود که بر فرض اینکه به لحاظ لفظی ظهور در معنای مختص به حرج و ضرر داشته باشد بعید نیست که اینجا الغاء خصوصیت امکان داشته باشد و با الغاء خصوصیت بشود به آن اکراه هم تسری داد و اگر نگوییم که شاید فحوایی هم باشد چون در موارد ضرر یا حرج دیگر عامل بیرونی نیست آنجا که عامل بیرونی باشد گویا یک اذلالی هم هست اگر بخواهد تسلیم نشود یک نوع ایذاء و اذلال و ذلیل و تذلل هم در آن هست.

از این جهت است که با الغاء خصوصیت و احیاناً حتی با فحوی می‌شود آن را به حال اکراه تسری داد.

این هم یک بحثی بود که به عنوان بحث پانزدهم مطرح شد و ملاحظه کردید.

# ادامه بررسی صحیحه ابوحمزه ثمالی

# مبحث شانزدهم

در مباحث و فروع ذیل صحیحه ابوحمزه ثمالی این است که اگر دقت بکنیم می‌بینیم که اضطرار گاهی هم‌زمان به نیاز به معالجه است و گاهی اضطرار ناظر به حال آینده است، مثلاً الان او مشکلی ندارد ولی معلوم است که موج جدیدی از کرونا، یا وبا یا از این قبیل می‌آید و برای پیشگیری باید واکسن تزریق کرد، (اگر کسی واکس را قبول داشته باشد) یا اقدام دیگری انجام داد که بعد مبتلا نشود؛ پس گاهی اضطرار بالفعل است، الان تصادف کرده است و مجروحیتی دارد و بایست معالجه بشود و طبیب زن نیست یا اگر هست به اندازه کافی نیست یا صور از این قبیل، به هر حال اضطرار دارد که معالجه کند و به طبیب مرد مراجعه کند ولی گاهی حال فعلی نیست و برای پیشگیری ضرورت دارد.

به عبارت دیگر معالجه‌ای که باید انجام شود گاهی هم‌زمان با ابتلا هست این معالجه و درمان به معنای خاص است، گاهی هست که به معنای ابتلای فعلی نیست بلکه در پیش‌بینی آینده این ابتلا می‌شود و برای دفع آن باید قبل از آن اقدام کرد باید یا می‌شود قبل از آن اقدام کرد این صورت پیشگیری است.

## یک سؤال مهم

سؤال این است که اینجا هم اضطرار صدق می‌کند؟ دلیل اینجا را هم می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ این یک سؤال خیلی مهمی است و با توجه به پیشرفت‌هایی که پدیدار شده است بسیاری از مواقع پیش‌بینی و پیشگیری است و الان پزشکی سرعت پیشرفتی دارد و الان دستگاه‌های جدیدی آمده است که به تدریج این طور است که پیش‌بینی می‌کند که این بناست به سرطان مبتلا بشود یا نشود. مبتلا به فلان نقص و اشکال بشود یا نشود این پیش‌بینی را انجام می‌دهد، سؤال پیدا می‌شود «إِذَا اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ فَلْیُعَالِجْهَا إِنْ شَاءَتْ»[[1]](#footnote-1) اختصاص به درمان ابتلای فعلی دارد که تا به حال همین به ذهن تبادر می‌کرد یا آن قسم دوم را که عبارت است به اضطرار معطوف به آینده، پیش‌بینی و پیشگیری نسبت به آینده، این را هم می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟

این سؤال دیگری است که در مبحث شانزدهم قابل طرح است و واقعاً مصداق هم دارد، گفتیم پیش‌بینی می‌کند که موج کرونا یا فلان مرض می‌آید که الان اگر واکسن نزند یا اقدام دیگری که متوقف بر نظر اجنبی هست، انجام ندهد مبتلا خواهد شد و به حرج می‌افتد یا ضرری متوجه او خواهد شد و امثال اینها، این امر را می‌گیرد یا خیر؟

## نکته اول

قبل از اینکه این سؤال را بررسی کنیم و به جواب آن بپردازیم به یک نکته در ظهور جمله شرطیه عرض بکنیم. جمله شرطیه در خیلی موارد به خصوص اگر «اذا» باشد که عامل یک درون مایه ظرفیت و زمان هست، «إن» این‌جوری نیست ولی «اذا» این‌جوری هست.

ظاهر اطلاقی یا طبیعی متعارف اولیه شرط و جزاء، هم‌زمانی شرط و جزاء است، اذا خفی الاذان فاقصّر، یعنی خفیه بعد را نمی‌گوید، خفیه فعلی، خفیه که حاصل شد جزاء بر آن مترتب می‌شود این ظاهر جمله‌های شرطیه به ویژه آنجا که اذا در کار باشد هم‌زمانی را افاده می‌کند.

ظاهر اولیه این است که شرطی بیاید و جزائی در آن مترتب بشود ظهور اولیه تقارن است و این است که قبل از تحقق آن پیدا می‌شود آنجا هم البته همین است **﴿إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ﴾**[[2]](#footnote-2)… **﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ﴾**[[3]](#footnote-3).

واضح است که تقارن شرط و جزاء، ظاهر جمله شرطیه است، وقتی می‌گوید اذا جائک زیدٌ فاکرمه یعنی آن وجوب اکرام با مجئ تقارن دارد لا اقل با وجوب آن تقارن دارد. لا اقل در حدوث تقارن دارد. اذا خفی الاذان فاقصر،

این ظاهر اولیه‌ای است که وجود دارد قطعاً لازمه ترتب جزاء بر شرط این است که شرط باید حادث بشود و مفهوم این است که حتماً قبل از آن کار ندارد و حکم بر آن مترتب نیست به نحو انتفاء شخص یا صنف علی اختلاف مشارف در مفهوم بودن یا نبودن.

این حکم شخص آن یا نوع آن قبل از حدوث شرط وجود ندارد، این اندازه تقریباً مسلم است بعد از حدوث شرط حرف دیگری است که کار نداریم.

این قاعده را که عبارت باشد از تقارن شرط و جزاء حدوثاً اینجا هم می‌توانیم پیاده بکنیم و واضح هم هست که پیاده می‌شود امام فرمودند «إِذَا اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ فَلْیُعَالِجْهَا» اگر این زن مبتلا به معالجه طبیب اجنبی اضطرار پیدا کرد او می‌تواند معالجه بکند یا باید معالجه بکند، این اضطرار باید حادث بشود و در این تردیدی نیست پس فَلْیُعَالِجْهَا مترتب می‌شود بر موردی که اضطرار حادث شده باشد، از این جهت خیلی واضح است که قبل از اضطرار نمی‌شود گفت فَلْیُعَالِجْهَا پیش‌بینی کرده است که این‌جوری خواهد شد، می‌گوید برای پیش‌گیری واکس بزنم، جراحی بکنم، آمپول بزنم این اقدام بشود برای اینکه این عضوی که پیش‌بینی می‌شود سرطانی می‌شود جلوتر بردارم و مرد اجنبی و طبیب اجنبی انجام بدهد.

در این حد واضح است که نمی‌شود به دلیل همان ظهور ترتب جزاء بر حدوث شرط است و قبل از حدوث شرط روشن است که جزائی اینجا مترتب نیست و یجب یا یجوز المعالجه اینجا نیست.

ظاهر ترتب جزاء بر حدوث شرط این است که قبل از صدق اضطرار معالجه‌ای نیست ضمن این که خود معالجه بحثی دارد که آیا اختصاص به درمان دارد و شامل وقایه نمی‌شود یا شامل آن هم ممکن است بشود.

نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که گاهی این پیش‌بینی اگر مطمئن باشد یا حجت معتبری باشد و در ظرف بروز و حدوث آن خارجیِ آن مریضی امکان معالجه هم نباشد، لا اقل با این دو قید عرف می‌گوید این خانم اضطرار دارد، اگر الان با روش علمی دقیق اطمینان آور معلوم شد او دو هفته دیگر به آنفولانزا یا کرونا یا یک سرطانی مبتلا خواهد شد و اگر امروز اقدام نکند (الان ظهور پیدا نکرده است، عرفاً هیچ مریضی ندارد) و برای دو هفته دیگر بگذارد ظهور پیدا می‌کند و مصداق اُضطرت الیه آن وقت حتماً هست چون ابتلا ظهور پیدا کرده است ولی با اضافه این شرط دوم که در آن زمان دیگر قابل معالجه نیست، بعضی سرطان‌ها این طور است که به موقع باید درمان انجام شود یک ماه بگذرد، سرایت می‌کند و کاری نمی‌شود کرد. به نظرم با این دو شرط قبل از حدوث مرض صدق اضطرار می‌کند ولو اینکه آنکه در سؤال است که مبتلا به کسر و جرح و… شده است نیست اما جواب امام اوسع از آن چیزی است که سؤال شده است. امام می‌فرماید: إِذَا اُضْطُرَّتْ المرأةُ إِلَی المعالجه یا الی الرجل فَلْیُعَالِجْهَا إِنْ شَاءَتْ، اضطرت الیه کجاست؟ دو مصداق دارد، یکی آنجایی که الان ابتلا پیدا کرده است و دچار ضرر و حرج می‌شود یا اکراهی است باید درمان کند.

یکی هم آنجاست که الان آدم سالمی است ولی به روش اطمینان، یا اصلاً قطع و اطمینان دارد که این دو هفته دیگر مبتلا می‌شود و در ظرف ابتلا درمان فایده‌ای ندارد. به نظرم با این دو قید اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ این اضطرار به معالجه دارد و پیشگیری دارد ولو صدق معالجه هم نکند ضمن اینکه بعید نیست معالجه هم اینجا صدق بکند ممکن است. این مصداق این مسئله می‌شود.

عرف در جایی که پیش‌بینی است لا اقل قطعی است و بعد هم امکان دفع خطر نیست، عرف می‌گوید این الان اینجا اضطرار دارد.

به اینجا رسیدیم که این مصداق روایت شریفه فقط معالجه بعد از ابتلا نیست، اختصاص به درمان ندارد بلکه صورت پیشگیری را هم می‌گیرد فعلاً با احتیاط گفتیم آنجا را که اطمینان دارد انجام می‌شود و ابتلا پیدا می‌شود و دوم اینکه در ظرف آن نمی‌شود معالجه کرد با این دو قید پیشگیری هم مصداق اینجا می‌شود و اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ هم شامل آن می‌شود.

اینجا قدر متیقن می‌تواند حتی گفت تضعیف می‌شود برای اینکه علی‌رغم اینکه او این‌طور سؤال کرد امام یک کلمه بیشتر نیاورد، جواب امام معلوم است که می‌خواهد بر کرسی بنشیند که ضرب القاعده بکند و بگوید این ملاک قصه است علی‌رغم همه حرف‌هایی که قبل از آن بود، إِذَا اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ فَلْیُعَالِجْهَا امام می‌فرماید این قانون ماست، این قانون اُضْطُرَّتْ هم درمان را می‌گیرد و هم پیشگیری با این دو شرط.

## نکته دوم

این است که ممکن است همان‌طور که علمین اشاره می‌کنند بگوییم عرفاً در مواردی از پیشگیری که یکی از این دو قید نیست، مثلاً قید اول نیست، اطمینان ندارد، ولی احتمال عقلایی یا خوف می‌دهد، خوف عقلایی وجود دارد و محتمل هم مهم است، محتمل است که سیل می‌آید و این خانه را تخریب می‌کند، بعید نیست می‌گوید این اضطرار دارد،

بنابراین موارد خوف در امور لا اقل در امور مهمه اضطرار صدق می‌کند این نسبت به شرط اول، این هم نکته بعدی.

## نکته سوم

این است که نسبت به شرط دوم هم ممکن است با یک دشواری بیشتری حتی یک تعمیم بدهیم. شرط دوم چه بود؟ این بود که الان می‌شود معالجه کرد، بعد نمی‌شود معالجه کرد.

اگر صورت دیگری را فرض کنیم که هم الان می‌شود معالجه کرد و بعد هم می‌شود معالجه کرد ولو اینکه امکان معالجه بعد هم هست ولی دورنمای آن خیلی واضح نیست، ممکن است در یک شرایطی حتی اینجا را هم صدق اضطرار بکند. می‌گوید اضطرار به معالجه دارد، حالا الان یا بعد. چه فرقی می‌کند؟

## یک فرع دیگر

الان مریض شده است و مریضی او یک ماه طول می‌کشد اما معالجه چند نوع است؛

۱- یکی اینکه در همه این انات می‌تواند معالجه کند و فرقی نمی‌کند

۲- این است که معالجه باید زودتر باشد، در اینجا اضطرار صادق می‌شود.

اما اگر لازم نیست الان معالجه بکند در طول این زمان وقت معالجه دارد آنجا ممکن است بگوییم اضطرت گاهی صدق می‌کند. ممکن است کسی بگوید اضطرت آخر وقت صدق می‌کند ولی ظاهر این است که اضطرت همه وقت را می‌گیرد.

اضطرت ملاک است و لذا اگر واقعاً آنجا هم یک جایی با قیود و شرایطی باشد که زمان مریضی ممتد است و مریضی هم طوری است که در آنات اول اضطرار عرفاً صدق نمی‌کند، می‌گوید تا آخر بگذار. ملاک صدق اضطرار عرفی است از این جهت است که قبل از ابتلا را هم با قیود و شرایطی می‌گیرد ممکن است حتی یک جاهایی اضطرار بعد از ابتلا را نگیرد.

این هم بحث شانزدهم در پیشگیری که به نظر امر مهمی است و فرع مهمی را تولید می‌کند و محل ابتلا است و در آینده این رشد پیدا می‌کند نسبت به موارد پیشگیری و به نظر ما حداقل در طیفی از موارد پیشگیری این إِذَا اُضْطُرَّتْ صادق است.

نسبت به فلیعالجها ممکن است کسی بگوید ظاهر معالجه درمان است و درمان متوقف بر حدوث مرض است که یعالجها به معنای رفع است پس دفع و پیشگیری را نمی‌گیرد.

جواب این است که ظاهراً معالجه این جور تفکیکی بین درمان و پیشگیری در آن آن‌ها نیست، معالجه یک نوعی از رسیدگی و مداوا و پیشگیری بعد است.

ولو سلّمنا که این ظاهر لفظ این را نمی‌گیرد، بگوییم «إِذَا اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ فَلْیُعَالِجْهَا» به خاطر یک ظهوری در اضطرار یا ظهوری در معالجه و قرینه‌ای در یکی از اینها شامل موارد پیش‌بینی ابتلا نمی‌شود، اگر کسی هم این را بگوید ممکن است (قاطع نمی‌گویم) ممکن است کسی بگوید الغاء خصوصیت در اینجا ممکن است.

ولی بعید نیست «إِذَا اُضْطُرَّتْ إِلَیْهِ فَلْیُعَالِجْهَا» صورت پیشگیری و لا اقل بعضی صور پیشگیری را بگیرد، به خصوص آنجا که آن دو شرط جمع باشد؛ مطمئن است که در آینده مبتلا خواهد شد و مطمئن است که در آن ظرف ابتلا امکان معالجه و درمان نیست. اینجا به نظر هم اطلاق لفظ توانایی شمول دارد و اگر نباشد این جا الغاء خصوصیت قوی است. در جایی که این دو شرط جمع نباشد الغاء خصوصیت سخت‌تر است.

بنابراین اینجا چند فرع را اضافه کردیم.

۱- آنجایی که پیش‌بینی با اطمینان ابتلای آینده می‌شود و در ظرف امکان معالجه نیست.

۲- آنجایی که پیش‌بینی قطعی نمی‌شود، خوف است، این را گفتیم لا اقل مواردی ملحق به اینجا می‌شود

۳- جایی که پیش‌بینی احیاناً قطعی است یا اگر خوف است اما معالجه هم الان می‌شود و هم آن وقت؛ این را گفتیم با یک سختی بیشتری ممکن است به آن‌ها ملحق بشود.

سه فرع جدید در این نکته شانزدهم بر فروعات قبلی در مسئله افزوده شد.

نکته هفدهم این است که اضطراری که اینجا گفته می‌شود، اضطرارهای شدید و یا همراه با خطر جانی و امثال اینها نیست، ممکن است کسی ابتدائاً کسی به ذهنش بیاید که اضطرار جایی است که خطر بالایی وجود دارد، حرج خیلی شدیدی وجود دارد ولی حق در مسئله این است که مرتبه شدیده یا خطر بالا در مفهوم اضطرار نیست، اضطرار بما له معنی العرفی، اضطرار به معنای عرفی هم از اینکه کسی سرما خورده است و مشکلی دارد باید مراجعه بکند. در حالی که معلوم است این سرماخوردگی مراجعه نکند دو سه هفته طول می‌کشد و خوب می‌شود این را هم می‌گویند اضطرار دارد.

بنابراین نکته هفدهم این است که ما طیف و مراتب داریم و نباید تصور کرد که اضطرار اختصاص به مراتب شدیده و سخت حرج یا ضرر یا اکراه دارد بلکه همه مراتب را می‌گیرد. همین که عرف می‌گوید این ناچار است و نیاز به این کار دارد. اضطرار نیاز به این درمان و معالجه است.

عوامل متعدد روی تشخیص عرف مؤثر است از جمله سطح مرض است، اگر جایی هم شک کند که اینجا اضطرار است یا نیست؟ اصل عدم اضطرار است.

تشخیص‌هایی که مقدمه معالجه است مشمول اضطرار است و مواردی که اهمیت داشته باشد هم مشمول است.

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص233، أبواب أبواب مقدّمات النكاح وآدابه، باب130، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/233/%D9%83%D8%B3%D8%B1) [↑](#footnote-ref-1)
2. [سوره تکویر، آيه 1.](http://lib.eshia.ir//17001/1/586/1) [↑](#footnote-ref-2)
3. [سوره تکویر، آيه 14.](http://lib.eshia.ir//17001/1/586/14) [↑](#footnote-ref-3)